

یاوران حقیقت

نگرشی بر منزلت صحابه از دیدگاه قرآن

آبتین امیری

عنوان کتاب:

یاوران حقیقت - نگرشی بر منزلت صحابه از دیدگاه قرآن

تألیف:

آبتین امیری

موضوع:

تاریخ اسلام - اهل بیت، صحابه و تابعین - بررسی مسائل و روابط میان اهل بیت و صحابه

نوبت انتشار:

اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار:

آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری

منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

فهرست مطالب.....	أ
مقدمه	۱
بخش اول: منزلت صحابه از دیدگاه قرآن	۵
بهترین امت	۵
امت میانه‌رو	۷
خداوند گناهان اصحاب را بخشید	۸
خداوند از آن‌ها راضی گشت	۹
خداوند از بیعت آن‌ها خشنود گشت	۱۰
آیا فضائل، اعمال آینده اصحاب را توجیه می‌کند؟	۱۰
آیا تمامی اصحاب با یکدیگر برابرند؟	۱۱
ایمان اصحاب، معیار قبول ایمان دیگران	۱۲
راه چه کسانی درست است؟	۱۳
بینشی از جانب خداوندی	۱۳
ایمان قلبی صحابه، رحمتی از جانب خداوند	۱۵
چرا خداوند اصحاب پیامبر ﷺ را برای اینکار برگزید؟	۱۶
چه کسانی بر راه راست هستند؟	۱۷
رستگاران واقعی	۱۷
اصحاب بدون زحمت به چنین منزلتی نائل نگشتند	۱۸

۱۹..... خدا یاری دهنده اصحاب است

۲۰..... گواه و شاهی نزد خدا

بخش دوم: نقش صحابه در عرصه تاریخ

۲۱..... چرا صحابه وارثان پیامبر ﷺ شدند؟

۲۲..... یک امت شکست ناپذیر

۲۳..... یاران من مانند ستارگان اند

۲۴..... اختلاف میان صحابه

۲۶..... وظیفه سایر مسلمین در مورد اختلاف

۲۸..... آیا خداوند بعد از رحلت پیامبر نیز از اصحاب راضی بود؟

۲۹..... صحابه از دیدگاه پیامبر ﷺ

۳۰..... صحابه افتخار اسلام

۳۱..... برترین مومنان

۳۱..... نظر انجیل در مورد اصحاب پیامبر ﷺ

۳۲..... هدف از تالیف این کتاب

۳۳..... قلب‌ها را باید شست

۳۴..... یاران حقیقت

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على أفضل الأنبياء والمرسلين سيدنا محمد وعلى آله وأصحابه وأتباعه أجمعين إلى يوم الدين.
أما بعد.

صحابی به کسی گویند که درحالت ایمان پیامبر اسلام ﷺ را ملاقات کرده باشد، و درحالت ایمان به خدا و رسولش ﷺ از دنیا رفته باشد. اصحاب پیامبر ﷺ را در واقع می‌توان وارثان دین او نامید. آن‌ها قوم برگزیده خداوند هستند که بهترین پیامبران در میان آن‌ها ظهور کرد، و ایشان او را در اجراء رسالتش یاری داده و با مجاهدت‌ها، مهاجرت‌ها، گذشت‌ها، انفاق‌ها و غیره، نهال نو پای اسلام را آبیاری نمودند. هیچ پیامبری مثل حضرت محمد ﷺ، از چنین یاران انبوه و وفاداری برخوردار نبود که حاضر بودند در راه هدف و وصول به آرمان‌های ناب مکتب خویش، این‌چنین از زندگی و لذت‌های آن چشم‌پوشند و دل به رضای خدا و رسولش ﷺ ببندد. بعد از رحلت پیامبر اسلام ﷺ، اصحاب وارث قرآن و سنت نبوی شدند و به جمع‌آوری آن‌ها و توسعه اسلام، به ادامه راهی که پیامبر ﷺ به آن‌ها نشان داده بود پرداختند. اگرچه محور اصلی پیروزی و برتری اسلام برموانع موجود در آن زمان، وجودنبی اکرم ﷺ بود که با درایت و دانش بی‌نظیری به سامان دادن اوضاع می‌پرداخت و در برابر هر مشکل بهترین استراتژی ممکن را اتخاذ می‌نمود، ولی درکنار آن باید به نقش صحابه بعنوان دومین رکن اجرائی و مهم‌ترین عامل عملگرایی در صدر اسلام اشاره

کرد، که مهمتر از همه وجود یک ایدئولوژی و آرمان شناخته شده و روشن در درون آن‌ها بود، که این جماعت را از اقوام و قبایل مختلف به هم پیوند داده و آن‌ها را در یک صف واحد قرار می‌دهد. به گواه تاریخ، اسلام هیچگاه مثل عصر صحابه از انسجام و وحدتی بی‌نظیر و ایمانی قوی، که انگیزه نبرد در برابر مشکلات را در آن زنده نگه دارد، برخوردار نبوده است. اینست که می‌بینیم که در هیچ عصری مانند عصر صحابه، مسلمین با چنین سرعتی نتوانسته‌اند، چنین موانع بزرگ و محکمی را، آن هم به انسانی‌ترین شیوه ممکن از سر راه خود بردارند و با قدرت بی‌نظیری ظهور اسلام و اعجاز آن را به نمایش بگذارند. این کتاب به بررسی دیدگاه قرآن در مورد صحابه می‌پردازد و تلاش شده بطور اجمالی سهم آن‌ها در حرکت‌های بنیادین صدر اسلام مشخص شود.

هرچند که منزلت صحابه و جایگاه آن‌ها در قرآن بالاتر از ابعادی می‌باشد که در این کتاب مشخص شده است، یا اینکه بتوان آن را در یک رساله جمع آوری کرد. نکته‌ای که باید بدان اشاره کرد و بیش از هر چیزی به آن توجه نمود، اینست که صحابه معصوم و عاری از خطا نبودند و بر آن‌ها وحی نازل نمی‌شد، و قبل از اسلام افرادی گمنام و غرق در رفتارهای جاهلیت آمیز بودند، اما تربیت صحیح و اصولی پیامبر اسلام ﷺ و دمیدن روح انسان سازی اسلام به کالبد آن‌ها، از همین افراد، چنان انسان‌های نورانی ساخت که تمامی بار رسالت اسلام را بدوش کشیدند. و عقیده اسلامی را در کمترین زمان ممکن به بزرگترین مکتب فکری و عملی زمان خود تبدیل نمودند. این نشان می‌دهد که رفتار صحابه نه به عنوان یک گروه معصومین، بلکه بعنوان یک عده انسان عادی و ساده، اما هدفمند و مؤمن، توانست آن‌ها را در زمان کمی به تحقق آرزوهایی که حتی خوش باورترین افراد هم رویای آن را در سر نمی‌پروراندند، رهنمود سازد و این می‌تواند بهترین الگو

برای مسلمین هر عصر و دوره ای باشد. خداوند همه آنها را مورد رحمت
و آمرزش خویش قرار دهد و دعای خیر ما را به آنها برساند.
ان شاء الله

بخش اول:

منزلت صحابه از دیدگاه قرآن

بهترین امت

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ﴾ [آل عمران: ۱۱۰].

«شما بهترین امتی هستید که نفع انسان‌ها آفریده شده‌اید».

برای اینکه به این پاسخ جواب دهیم که چرا قرآن کریم امت زمان پیامبر ﷺ را بهترین امت می‌خواند، دلایل زیادی داریم، اما در اینجا به چند دلیل اصلی و مهم اشاره می‌کنیم:

۱- پیامبران قبل از حضرت محمد ﷺ، همگی دارای پیروان و امتی بودند. ولی عدم حمایت آن امت از پیامبر خود سبب شکست برنامه‌های آن‌ها شد.

پیروان این پیامبران بجای اینکه به اطاعت و قبول فرمان رهبر خود روی آورند به سرپیچی و نافرمانی روی آوردند، این بود که خیلی از آن‌ها توسط پیامبران خود، لعن و نفرین شدند.

برای مثال، امت یهود و نصارا هر کدام برای مدتی آزار و اذیت پیامبر خود را دنبال نمودند. حضرت موسی عليه السلام علیرغم اینکه خدمات زیادی برای نجات بنی اسرائیل از زیر یوغ فرعون مصر انجام داد، آنقدر او را آزار دادند، تا اینکه در همین نا رضایتی از قوم خویش درگذشت.

وقوم حضرت عیسی عليه السلام نیز در برابر توطئه‌ای که برای قتل آن حضرت ریخته شده بود، سکوت کردند و در برابر حمله رومی‌ها و یهودیان برای

دستگیری پیامبر شان هیچ اقدامی انجام ندادند، تا اینکه آن حضرت از تنهایی و بی‌یاوری به غیبت رفت.

اما یاران پیامبر اسلام ﷺ، وقتیکه به او ایمان آوردند، جان و مال خود را به او تقدیم کردند، به فرمان او جنگیدند، به فرمان او صلح کردند، به فرمان او هجرت نمودند و به فرمان او پناه دادند. و برای تحقق رسالت پیامبر شان قید دنیا را زدند، و هیچگاه او را آزرده خاطر نکردند. تا اینکه پیامبر اسلام ﷺ در اجراء تمامی برنامه‌هایش موفق شد.

۲- اصحاب پیامبر اسلام ﷺ بر خلاف پیروان سایر پیامبران -علیهم‌السلام- که می‌خواستند به پیغمبر خود خط و مشی دهند و از او برای منافع دنیوی خود استفاده کنند، از حضرت محمد ﷺ خط و مشی می‌گرفتند و بخاطر آخرت از فرمان او سر پیچی نمی‌کردند. آن‌ها بعد از رحلت پیامبر ﷺ، به جمع آوری قرآن پرداختند و اسلام را توسعه دادند و هر کدام به گوشه ای از دنیا رفتند و ندای پیامبر ﷺ و کتاب او را به گوش جهانیان رسانیدند و آن‌ها را از زیر استعمار پادشاهان سلطه‌گر خود نجات داده و با شعور اسلامی آشنا کردند. جنگ‌های مسلمین در صدر اسلام تنها جنگ‌هایی است که افراد از قومی که از آن‌ها شکست خورده بود، مال و دارایی نمی‌طلبیدند و به غارت اموال نمی‌پرداختند و هدف خود را از جنگ آزادی انسان‌ها قلمداد می‌نمودند و برای آن‌ها برابر و آزادی و احکام‌رهایی بخش اسلام را به ارمغان می‌آوردند. هیچ قومی مثل مسلمین صدر اسلام (صحابه) برای دیگر انسان‌ها تا این حد سودمند نبوده‌اند.

امت میانه‌رو

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾ [البقرة: ۱۴۳].

«و شما را امتی میانه رو قرار دادیم تا گواهی باشید بر انسان‌ها و پیامبر اسلام ﷺ گواهی باشد بر شما».

این آیه نسبت صحابه را به سایر ملت‌ها، نسبت پیامبر ﷺ بر صحابه می‌داند و همین‌طور که پیامبر اسلام ﷺ بر صحابه گواه و حجت است، صحابه نیز نسبت به دیگر اقوام گواه و حجت می‌باشد. در طول تاریخ نیز حرکت دین اسلام بدین شکل بوده است. یعنی پیامبر اسلام ﷺ تنها در میان صحابه حضور داشته و رسالت الهی خویش را به آن‌ها ابلاغ نموده است و بر آن‌ها گواه و حجت بوده است، و بعد از پیامبر ﷺ صحابه این وظیفه را برای هدایت سایر اقوام بر دوش گرفتند، و ابلاغ رسالت اسلام را به مردم مناطق مختلف تحقق بخشیدند و هر کدام به شهری رفتند تا مبلغ احکام اسلام باشند. پس آن‌ها نیز برای مردم سایر اقوام حجت و گواه بودند و آن‌ها از طریق صحابه با اسلام، قرآن و پیامبر آن ﷺ آشنا گشتند. در مورد امت میانه رو نیز صحابه در میان مسلمانان که گاهی از بی‌دینی به ضعف و نابودی دچار شده‌اند و گاهی به دلیل تندروی در دین بجان یکدیگر افتادند و تفرقه ایجاد کردند، هیچگاه دچار افراط و تفریط نشده و اعتدال زندگی و دین را نگه داشته و هم‌خانه دنیا را آباد کردند و هم‌خانه آخرت را. و در میان غیر مسلمانان نیز، که دینداران آن‌ها گوشه‌ عزلت گزیده و از دنیا و لذت‌های آن دست کشیده‌اند و بی‌ایمانان آن‌ها به تحریف کتاب‌ها و احکام خود روی آورده و مثلاً شراب یا قمار را برای لذت‌های مادی آن آزاد کردند، صحابه به دام

هیچکدام از این دو مصیبت نیفتاده و در این میان روشی معتدل و میانه رو داشته‌اند، پس امت میانه رو تنها برزندهٔ این قوم می‌باشد.

خداوند گناهان اصحاب را بخشید

﴿لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى التَّيِّبِ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۱۷].

«خداوند توبه پیامبر، مهاجرین و انصار را پذیرفت. آن‌ها که در روزگار سختی از پیامبر پیروی کردند، بعد از آنکه دسته‌ای از آن‌ها اندکی مانده بود که منحرف شود، باز هم خداوند توبهٔ آن‌ها را پذیرفت، زیرا که او بسیار رؤوف و مهربان است.»

در مورد این آیه ذکر سه نکته ضروریست:

۱- خداوند توبه اصحاب پیامبر ﷺ را هم‌ردیف با خود پیامبر ﷺ قرار می‌دهد و اعلام می‌کند که همانطور که پیامبر ﷺ را مورد رحمت و بخشش خود قرار می‌دهد، یاران او را نیز مورد رحمت و بخشش خود قرار می‌دهد.

۲- خداوند دلیل این رحمت خود را برای صحابه، سختی‌ها و مجاهدت‌هایی می‌داند که آن‌ها در راه اسلام و پیامبر آن کشیده‌اند، و این ارزش و منزلت کار صحابه را نشان می‌دهد.

۳- خداوند می‌داند که دستهٔ اندکی از آن‌ها ممکن است از ایمان قوی مثل بقیه برخوردار نباشند و گاهی دچار لغزش و اشتباه شوند، ولی مجاهدت‌ها و زحمات آن‌ها سبب شده که خداوند از انحراف آن‌ها

جلوگیری کند و آن‌ها را نیز مورد رحمت خود قرار دهد. یعنی توبه تمامی صحابه را صرفنظر از هر اقدام و نیتی از جانب آن‌ها می‌پذیرد.

خداوند از آن‌ها راضی گشت

﴿وَالسَّبِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ﴾ [التوبة: ۱۰۰].

«پیشگامان نخستین مهاجرین و انصار و کسانی که به نیکی روش آن‌ها را پیش گرفتند و راه ایشان را بخوبی پیمودند، خداوند از آن‌ها خشنود است و ایشان نیز از خدا خشنود هستند».

در این آیه به دو نکته اشاره شده است:

۱- مهاجرین و انصار یعنی اصحاب پیامبر ﷺ، خصوصاً کسانی که از آن‌ها در دین بر دیگران سبقت جسته و زودتر از دیگران ایمان آوردند، خداوند رضایت خود را از آن‌ها اعلام می‌کند و به انسان‌ها می‌فهماند که از کار آن‌ها خشنود بوده است. و از طرفی آن‌ها نیز از خداوند خشنود و راضی هستند، یعنی قلبشان برای خدا می‌تپد و نیتشان پاک بوده است، و خداوند اینرا اعلام می‌کند تا همه از درون آن‌ها آگاه شوند و اخلاص آن‌ها را باور کنند. و این افتخاری است که نصیب پیروان هیچ پیامبری و هیچ قوم دیگری جز صحابه نشد.

۲- خداوند از کسانی راضی می‌شود که از مهاجرین و انصار و شیوه آن‌ها پیروی کند و راه و روش آن‌ها را بخوبی بیمایند، نه آنکه به آن‌ها پشت کنند. زیرا شیوه اصحاب بازتابی از شیوه رسول خدا ﷺ می‌باشد.

خداوند از بیعت آن‌ها خشنود گشت

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ﴾ [الفتح: ۱۸].

«خداوند از مومنینی که زیر درخت با تو بیعت کردند، خشنود شد».

اهمیت بیعت رضوان و اخلاصی که در قلوب اصحاب برای اطاعت از رسول خدا ﷺ و دادن جانشان در راه او و رسالتش وجود داشت، سبب نزول این آیه شد. این آیه اختصاصاً فضیلتی برای اصحاب تلقی می‌شود و دیگر اقوام، چه از نظر زمانی، چه از نظر مکانی، از آن محروم بوده‌اند. و این حقیقتی است که منزلت اصحاب را نزد خدا بازگو می‌کند. و آن‌ها را از دیگر اقوام متمایز می‌سازد و نشان می‌دهد که خداوند متعال از اصحاب بدلیل خلوص نیستی که در قلوب آن‌ها موج می‌زده است و جانفشانی‌ها یشان در راه رسالت الهی خود، رضایت کامل داشته است، چیزی که دیگران از آن بهره‌ای نبردند.

آیا فضائل، اعمال آینده اصحاب را توجیه می‌کند؟

این سوالی است که ممکن است به فکر هر خواننده‌ای خطور کند. که اگر چه اصحاب در عصر پیامبر ﷺ، اسطوره صبر و ایمان بوده‌اند و خداوند در باب فضیلت آن‌ها آیه‌ها نازل نموده است، اما از کجا معلوم که پس از رحلت پیامبر ﷺ و قطع وحی، آن‌ها دست به عملی نزده باشند که باعث نا رضایتی خداوند شده باشد؟

در پاسخ به این شبهه باید گفت، که خداوند از آینده صحابه و حوادث پس از رحلت رسول خدا ﷺ خبر داشته است و اگر اقدام اصحاب در آن زمان بر مبنای دنیا پرستی و مال اندوزی بود و در جهت نارضایتی خداوند حرکت می‌کردند، خداوند هیچگاه با این قاطعیت رضایت خود را از آن‌ها اعلام

نمی‌کرد تا سبب گمراهی کسانی که قرآن را حجت می‌گیرند، فراهم آورد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۱].

«براستی برای کسانی که از طرف ما حسنی مقدر و مقرر شده است، آن‌ها از آن (دوزخ) دور می‌شوند».

و این حکمت الهی را می‌رساند زیرا که خداوند هیچگاه رضایت و خشنودی خود را مورد کسی یا قومی اعلام نمی‌کند که احتمال به خطا رفتن آن‌ها در آینده باشد. در اینصورت چنین آیه ای (رضایت خدا از آن‌ها) جزء برای فریب و گمراهی انسان‌ها نمی‌باشد. خداوند با علم بی‌پایانش از سر انجام زندگی صحابه آگاهی داشته و بر پایهٔ چنین علمی اقدام به نزول این آیات نموده است و در آیهٔ اخیر نیز اعلام می‌کند که صحابه بدلیل حسنی که خداوند برای آن‌ها مقرر کرده و اعلام خشنودی خداوند از آن‌ها، از دوزخ که جایگاه گنهکاران است دور خواهند شد.

آیا تمامی اصحاب با یکدیگر برابرند؟

آیا عقل حکم می‌کند که تمامی اصحاب با هم برابر و یکسان باشند؟ آیا آن‌ها که در راه خدا هجرت کردند و پناه دادند و جهاد نمودند و از مال و فرزندان خود گذشتند و سال‌ها برای اسلام سختی کشیدند، با کسانی که در هنگام ناچاری و تسلیم به حضور پیامبر رفته و به او ایمان آوردند و به مقام صحابه نازل گشتند، برابر هستند؟ مسلماً هیچگاه چنین نخواهد بود و خداوند مرز بین این دو را تعیین می‌کند:

﴿لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَتْلَ أُولَٰئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ﴾ [الحديد: ۱۰].

«کسانیکه قبل از فتح (مکه) انفاق نموده و جنگ کردند، با کسانیکه بعد از فتح انفاق نمودند و جنگ کردند هرگز برابر نمی‌شوند، زیرا مقاتلین و منفقین قبل از فتح دارای درجه و مرتبه‌ای بس بزرگترند و هردو را خداوند وعده نیکو داده است.»

آری، این دو گروه از اصحاب هیچگاه با یکدیگر برابر و یکسان نیستند و منزلت آن‌ها در نزد خداوند یکی نیست. ولی با همه این‌ها احترام بر تمامی آن‌ها واجب است، زیرا خداوند به هردو گروه وعده نیکو داده است و آن‌ها را در پناه رحمت خود قرار داده است.

ایمان اصحاب، معیار قبول ایمان دیگران

﴿فَإِنْ ءَامَنُوا بِمِثْلِ مَا ءَامَنْتُمْ بِهِۦ فَقَدِ اهْتَدَوْا ۗ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ﴾ [البقرة: ۱۳۷].

«اگر ایمان بیاورند مانند ایمانی که شما آورده‌اید، و به آنچه ایمان آوردید هدایت یافته‌اند و اگر از شما روی بگردانند، پس در مخالفت با شما هستند.»

خداوند جماعت عصر پیامبر ﷺ یعنی صحابه را مورد خطاب قرار می‌دهد و اعلام می‌کند، اگر دیگران، ایمانی مانند ایمان شما و شبیه به آن و به همان چیزی که شما ایمان آوردید بیاورند، پس هدایت یافته‌اند و جزء رستگاران می‌باشند. یعنی نوع ایمان صحابه معیار و قبولی دیگران است. و اگر از شما روی بگردانند، یعنی اینکه شما را قبول نداشته باشند و به شما پشت کنند و ایمان آن‌ها، ایمانی به غیر از ایمان شما باشد، پس جزء هدایت یافتگان نبوده و تنها در مخالفت با شما هستند. پس قبول شدن

ایمان سایر مسلمین مربوط به قبول ایمان صحابه و تشابه با ایمان آن‌ها می‌باشد و پشت نکردن به شیوه آن‌ها و مخالفت نکردن با ایشان.

راه چه کسانی درست است؟

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾ [یوسف: ۱۰۸].

«بگو این راه من است که بسوی خدا می‌خوانم و آگاهی و بصیرت من و کسانی که از من پیروی کرده‌اند».

این آیه نیز به صحت راه و رسالت پیامبر ﷺ و یاران و پیروان او (اصحاب) اشاره دارد و از زبان حضرت محمد ﷺ اعلام می‌کند که این رسالت و این دعوت و این جنبش عقیدتی از بصیرت و آگاهی من سر چشمه می‌گیرد. یعنی چه من و چه کسانی که به پیروی از من برخاسته‌اند اینکار را از روی جهالت و نادانی نکرده‌ایم، بلکه در آن روشنی و آگاهی نهفته است. و این فرقی است با کسانی که اعمال خود را از روی جهالت و تعصب انجام می‌دهند.

بینشی از جانب خداوندی

حال باید دید که اصحاب این بصیرت و بینش را از کجا آورده‌اند. آن‌ها که تا قبل از ظهور پیامبر ﷺ در جهالت و گمراهی می‌زیستند، پس چگونه اکنون سزاوار لقب بهترین امت شده‌اند و به این درجه نائل گشتند؟ خداوند متعال خطاب به اصحاب می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ﴾ [الأنفال: ۲۹].

«ای کسانی که ایمان آورده‌ید. اگر از خدا (بترسید و از گناهان) بپرهیزید، خدا بینش ویژه‌ای بشما می‌دهد که در پرتو آن حق را از باطل بشناسید و گناهانتان را ببخشید».

و این بینشی بود که خداوند یگانه به اصحاب داد و گناهان آن‌ها را بخشید، تا در سایه آن به درجه‌ای که وعده داده بود برسند و جایگاه ویژه‌ای نزد او داشته باشند. اصحاب پیامبر ﷺ بهترین امت برای بهترین پیامبر خدا بوده‌اند و این بهترین بودن، سبب نزول بهترین و کاملترین کتاب آسمانی و احکام الهی در میان آن‌ها گشت و خداوند به واسطه آن حجت را بر همه تمام کرد:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ [المائدة: ۳].

«امروز دین شما را برایتان کامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را بعنوان آئین پسندیده برای شما برگزیدم».

در تمامی کتاب‌های مذهبی جهان چنین آیه‌ای یافت نمی‌شود که طبق آن حجت بر همه تمام شده باشد و دین آن را بعنوان یک دین همگانی و خدا پسندیده در آن کتاب به رسمیت شناخته باشد. در این میان تنها قرآن کریم چنین ادعایی را برای اسلام دارد.

از طرفی این آیه نشان می‌دهد که تمامی احکام اصولی که لازمه یک دین کامل و برگزیده می‌باشد، بر پیامبر نازل شده و دین احتیاج به کم و زیاد کردن هیچ اصولی ندارد و خدا اسلامی را می‌پذیرد و معیار قرار می‌دهد که احکام آن بر پیامبر ﷺ نازل گشت و در میان صحابه تبلیغ شد، و اسلامی را برگزید که در میان پیامبر ﷺ و صحابه رایج بوده است.

ایمان قلبی صحابه، رحمتی از جانب خداوند

﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ
وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَبٌ إِلَيْكُمْ إِلَّا يَمَنَ وَزَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمْ
الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ ﴿٧﴾﴾ [الحجرات: ۷].

«بدانید که پیامبر در میان شماست، هرگاه در بسیاری از کارها از شما اطاعت کند، به مشقت خواهید افتاد. اما خداوند ایمان را در نظر تان گرامی داشته است و آن را در دل‌هایتان آراسته است و کفر و نافرمانی و گناه را در نظرتان زشت جلوه داده است، فقط آن‌ها راه یافته‌اند و بس.»

این آیه تفاوت بین پیروان پیامبر اسلام ﷺ و پیروان سایر پیامبران را نشان می‌دهد. در حالیکه یاران سایر پیامبران - خصوصاً بنی اسرائیل - نافرمانی پیروان خود را کرده‌اند و آن‌ها را مجبور نمودند تا به قوم خود امتیازاتی بدهد و همه بدنبال ایرادگیری و سرکشی و گناه بودند، خداوند پیروان محمد ﷺ و اصحاب او را به نور ایمان آراسته و گناه و نافرمانی را در دیدگان آن‌ها زشت جلوه داد، پس ایمان اصحاب که از حضور پیامبر ﷺ در میان آن‌ها سر چشمه می‌گیرد، یک ایمان الهی و آسمانی و رحمتی از جانب خداوند بوده است. و اگر آن‌ها به تبعیت از پیروان سایر پیامبران در اموری نافرمانی کرده‌اند و دل به لذت‌های دنیوی می‌بستند، خداوند آن‌ها را به مشقت و زحمت می‌انداخت. ولی اصحاب به مشقت و گرفتاری دچار نشدند و پیروزی و فتح در تمامی امور در انتظار آن‌ها بود. و راز این موفقیت این بود که رحمت خداوند شامل حال آن‌ها شد و نور ایمان الهی در دل آن‌ها جای گرفت. و خداوند تنها اصحاب پیامبر اسلام ﷺ را به چنین منزلتی نازل کرد.

چرا خداوند اصحاب پیامبر ﷺ را برای اینکار برگزید؟

چرا خداوند در میان سایر اقوام اصحاب و یاران پیامبر ﷺ را برای کسب این منزلت و تابیدن نور الهی به قلوب شان برگزید؟ چرا این امتیاز ویژه نصیب دیگر اقوام نشد؟ خداوند بر چه اساسی این رحمت خود را شامل اصحاب کرد و در مورد دیگر اقوام گذشته یا آینده چنین نگفت؟ قرآن کریم پاسخ می‌دهد:

﴿إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿٢٦﴾﴾ [الفتح: ۲۶].

«آنگاه که کافران تعصب جاهلیت را در دل‌هایشان جای دادند، خداوند اطمینان‌خاطری بهره‌ایشان و بهره‌مومنان کرد، و خدا ایشان را به روح ایمان سازگار کرد زیرا سزاوارتر به روح ایمان و برازنده آن بودند و خدا از هر چیزی آگاه و بر هر کاری تواناست.»

خداوند در برابر تعصبی که کافران برای رد اسلام و حقیقت در قلوبشان جای دادند به پیامبر ﷺ و یاران او اطمینان خاطر و یقین قلبی هدیه داد و آن‌ها را به نور ایمان آراست، زیرا آن‌ها شایستگی آن را داشتند و زمینه دانستن قدر چنین ایمانی در نزد آن‌ها، بیش از دیگران بوده است.

خداوند در پایان آیه خود را دانا و توانا می‌خواند، زیرا اولاً به این عملی که انجام شده و رحمتی که عطا کرده آگاه بوده و بیش از هر شخص دیگری می‌فهمیده است که چه کسانی سزاوار این رحمتند. و ثانیاً خداوند به جذب قلوب انسان و نورانی کردنشان به ایمان توانا و قادر است و اگر نمی‌خواست، اصحاب از این نعمت بی‌بهره بودند. پس منزلت اصحاب با آگاهی و اراده خدا تعیین شده است.

چه کسانی بر راه راست هستند؟

﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ [الحشر: ۸].

همچنین غنایم از آن فقرای مهاجرینی است که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شده‌اند. آن کسانی که فضل خدا و خشنودی او را می‌خواهند و خدا و پیامبرش را یاری می‌دهند، اینان راستگویانند.

مهاجرین کسانی بودند که به فرمان خدا و رسولش ﷺ، از خانه و دارایی و حتی بعضی از آن‌ها از خانواده و خویشان خود گشتند و دست خالی و بدون کمترین توشه‌ای راه سفر را بستند. این‌ها برای نصرت و یاری دین خدا و رسول او ﷺ دنیا را با تمام لذت‌ها و دل‌بستگی‌هایش ترک نمودند و با تقدیم نمودن جان و مال خود اجراء احکام الهی را ممکن ساختند. اهمیت کار آن‌ها از آنجا ناشی می‌شود، که مهاجرین اولین گروه مسلمانان و تنها یاوران پیامبر اسلام ﷺ در میان انبوه مشرکین بودند و حضور آن‌ها همواره مانع از این می‌شد که ندای اسلام در گلو خفه شود و این شریعت نو پا برای همیشه به خاک سپرده گردد. مهاجرین گروه اول اصحاب بودند و برای قبول اسلام و یاری پیامبر آن، تاوان سنگینی را پرداختند.

رستگاران واقعی

﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [الحشر: ۹].

«آنانی که قبل از آمدن مهاجرین خانه و کاشانه و ایمان را (در دل‌ها) آماده کردند و دوست می‌دارند کسانی را که به پیش آن‌ها هجرت کرده‌اند، و در درون احساس نیاز و رغبت نمی‌کنند به چیزهایی که به مهاجرین داده شده است و ایشان را بر خود ترجیح می‌دهند هر چند که خود سخت نیازمند باشند. کسانی که از بخل، نفس خود را نگهداری و محفوظ کردند، ایشان قطعاً رستگارند».

گروه دوم از اصحاب که پایه‌ای دیگر را از دین محکم نمودند، انصار بودند. انصاری که بی‌توجه به مال و دارایی و منافع دنیوی به ندای رسول اکرم ﷺ برای یاری دادن و پناه دادن به مهاجرین پاسخ داده و برادران دینی خود را در آنچه داشتند شریک کردند. انصار باروی آوری به پیامبر اسلام ﷺ و برادران جدید خود، دشمنان تازه‌ای برای خویش بوجود آوردند و دوستان زیادی را از دست دادند، ولی بخاطر رضای خدا و رسولش از مصائبی که در پشت خورشید بخت‌شان به کمین نشسته بود نهراسیدند و مبارزه شدیدی را در راستای تحقق آرمان‌های شریعت جدید آغاز نمودند. آن‌ها در ازاء پیوستن به خط پیامبر اسلام ﷺ تاوان سنگینی را پرداختند.

اصحاب بدون زحمت به چنین منزلتی نائل نگشتند

﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَلَّهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوَأُوا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ [الأنفال: ۷۴].

«بی‌گمان کسانی که ایمان آوردند و مهاجرت کردند و در راه خدا جهاد نموده‌اند و کسانی که پناه داده‌اند و یاری کرده‌اند، آنان حقیقتاً مومن و با ایمانند. برای آنان آمرزش (گناهان) و روزی شایسته (در آخرت) است».

اصحاب و یاران پیامبر ﷺ بدون دلیل و به طوری اتفاقی به چنین منزلتی نائل نگشتند، بلکه اعمال آن‌ها و تصمیم را سخ‌شان برای قرار گرفتن در راه حق و مجاهدت‌ها و جانفشانی‌های بی‌پایان، سبب دست یابی به چنین جایگاهی گشت. هنگامیکه ندای آزادی بخش اسلام توسط حضرت محمد ﷺ طنین افکن گشت، اصحاب از زندگی، مقام، اعتقادات، باورها، اصالت قومی و خانوادگی و حتی فرزندان و والدین خود دل‌کنند و درخواست پیامبر ﷺ را لبیک گفتند. آن‌ها هنگامیکه حقیقت زندگی و هستی را از دهان پیامبر اسلام ﷺ شنیدند، خود را از بند تعصب و باورهای جهل‌آمیز گذشته و سنت‌های اجدادی رها کرده و خالصانه خود را تسلیم خداوند یگانه کردند. اصحاب به پیامبر ایمان نیاوردند، مگر پس از رخ دادن یک تحول عظیم در درون یکایک آن‌ها.

اصحاب در ازاء این انقلاب روحی و عملی از درون خود تا فضای جامعه، که گاهی به بهایی کمتر از جان آن‌ها نمی‌طلبید، به اذن خداوند دارای این جایگاه عظیم دست‌نا یافتنی شدند و خود را شایسته‌ترین افراد برای رحمت الهی و معرفت او قرار دادند.

خدا یاری دهنده اصحاب است

﴿يَأْتِيهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (الأنفال: ۶۴).

«ای پیامبر خدا برای تو و مؤمنینی که از تو پیروی کرده‌اند بسنده است».

آیا فضیلتی از این بالاتر هست که خداوند برای کسانی اعلام کند که در برابر مصائب و سختی‌ها نگران نباشید و به هیچ چیز اقتدا نکنید، زیرا او آن‌ها را یاری و پشتیبانی خواهد نمود و الله که بزرگترین قدرت هستی است برای آن‌ها بسنده می‌باشد؟

بدون تردید این وعده الهی و این تضمین آسمانی برای ایجاد امنیت درونی، دلیل اول برای قوت قلب پیامبر ﷺ و یاران او در رویارویی با انواع مشکلات و درد سرها بوده است. اصحاب بدلیل ایمان قوی و قلبی مطمئن و لبریز از اعتقاد به یکتایی خداوند و قدرت او، با چنین پیام‌های آسمانی و وعده‌های الهی آرامش می‌یافتند و برای انواع مجاهدت‌ها نیرویی تازه می‌گرفتند و طبق این قاعده بوده است که تحمل سخت‌ترین مشکلات و دردها برای آن‌ها آسان و میسر می‌گشت.

گواه و شاهدی نزد خدا

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّٰدِقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ﴾ [الحديد: ۱۹].

«کسانیکه به خدا و رسولش ایمان آورند آن‌ها راستگویانند و نزد خدا شاهد و گواه (بر دیگران) می‌باشند و اجر خود را و نور خود را دارند.»

خداوند متعال این امتیاز و فضیلت را، برای کسانیکه در تنهاترین لحظات پیامبر اسلام را یاری دادند و به او و پروردگارش ایمان آوردند و آن‌ها را تصدیق نموده و زندگی خود را بر مبنای دستورات آن‌ها قرار دادند، قائل می‌شود که شاهد و گواه پیش خداوند بر دیگران باشند و خداوند آن‌ها را براه راست و صحیح می‌خواند، بدون تردید اجرهای آن‌ها نزد خداوند محفوظ است. خداوند با این درجه و منزلت یاران و اصحاب پیامبر ﷺ را باز هم بالاتر می‌برد و آن‌ها را گواه بر اعمال دیگران می‌کند که تنها چنین راهی درست و برحق می‌باشد. منزلتی که خداوند برای این گروه قائل شده است جایگاهی است که بدون باختن جان و زندگی و اموال دنیوی حاصل نگشته است، و اصحاب قومی بودند که این امتحان الهی را به بهترین نحو ممکن پس دادند.

بخش دوم:

نقش صحابه در عرصه تاریخ

چرا صحابه و اارتان پیامبر ﷺ شدند؟

صحابه امتی بودند که همزمان با رسول خدا ﷺ می‌زیستند و به او ایمان آوردند و در اجراء رسالتش با او شریک گشتند. صحابه معصوم نبوده‌اند و ممکن بود خطایی از آن‌ها سرزند و بر هیچ کدام آن‌ها وحی نازل نگشت، اما آن‌ها تربیت یافته بهترین مکتب اسلامی و فکری جهان و بهترین معلم تاریخ بودند. این بود که از میان مشتی انسان‌های بی‌فرهنگ، جاهل، بی‌سواد و وحشی، که جز ریختن خون یکدیگر کار دیگری نداشتند، امتی پدید آمد که زهد و تقوی و انسانداری آن‌ها در طول تاریخ بی‌نظیر بود. پیامبر اسلام ﷺ برای اینکه بتواند آن‌ها را با عقاید و اصول شریعت اسلامی آشنا کند، همواره در میان آن‌ها حضور داشت، و آیات قرآن را که تازه به وی وحی شده بود، برای آن‌ها می‌خواند و سخنان خود را (حدیث) برای آن‌ها بازگو می‌نمود. با اندکی دقت مشخص خواهد شد که رفتار صحابه بعد از رحلت پیامبر اسلام ﷺ، ابتدا در زمان حیات او و به فرمان او توسط صحابه اجراء می‌شد، تا آن‌ها بتوانند در نبود آن حضرت رسالت اسلام را ادامه دهند. پیامبر ﷺ در جنگ‌هایی که خود در آن حضور نداشت، هر بار یکی از صحابه را بعنوان فرمانده سپاه بر می‌گزید، و در جنگ‌هایی که خود در آن حضور داشت، هر بار یکی را بعنوان رئیس و سرپرست شهر انتخاب می‌نمود. آن حضرت گروه‌هایی از صحابه را به سرپرستی یکی از آن‌ها به مناطق مختلف می‌فرستاد، تا با تبلیغ دین آشنا گردند و اشکالات آن‌ها اصلاح شود. پیامبر

اسلام ﷺ، قرآن و سخنان خود را (حدیث) را از هیچکس پنهان نمی‌داشت تا همه با آن‌ها آشنا شده و قاری قرآن و راوی حدیث گردند. و بدین ترتیب نسلی را تربیت نمود که نه وابسته به یک فرد و یک گروه بود، بلکه به تعداد زیادی در میان آن‌ها، قاری، محدث، فرمانده، مبلغ و والی بود. بعد از رحلت پیامبر ﷺ همین گروهی که توسط پیامبر ﷺ تربیت یافته بودند، همچون ستارگانی در شب درخشیده و هرکدام از آن‌ها به شهری رفته و کار ابلاغ اسلام و رسالت آن را انجام دادند. با وجود چنین جمعیت آگاه و مجهزی، مسلماً کشته شدن یک یا چندتن از صحابه هیچ تأخیری در پیشروی اسلام در سرزمین‌های جدید ایجاد نمی‌کرد. و این اجراء برنامه‌ای بود که رسول خدا ﷺ در زمان خود آن را طراحی کرده بود و برای عادت دادن مسلمین به آن در موقع حیاتش آن را به مرحله اجرا گذاشته بود. و این نشان می‌دهد که صحابه جز وارثان پیامبر ﷺ و مجری برنامه‌های از پیش تعیین شده‌ای نبودند.

یک امت شکست‌ناپذیر

قرار دادن یک امت بعنوان وارث یک پیامبر فلسفه جالبی دارد. زیرا در این صورت بهیچ وجه احتمال تحریف آن دین یا کتاب آسمانیش وجود ندارد.

وقتی که یک امت قاری قرآن و راوی حدیث باشند و تعداد کسانی که در میان آن‌ها برای چنین فضایی باشند زیاد باشد، کشته شدن یا منزوی شدن هر تعداد باعث نابودی و انحراف آن دین نخواهد شد. می‌دانیم که وارثان عیسی علیه السلام ۱۲ نفر بنام حواریون بودند و برای سایر پیامبران از جمله موسی علیه السلام نیز جزء یک وارث مشخص وجود ندارد. این است که بعد از رحلت هر پیامبر وارث او نمی‌توانست ندای دین خود را بگوش انسان‌ها در

همه جا و در هر زمانی برسانند. و اگر او منزوی یا زندانی می‌گشت یا کشته می‌شد، کتاب آسمانی و رسالت آن دین تحریف می‌گشت. و برای مردم سایر نقاط جهان امکان دسترسی به منابع دین جدید وجود نداشت. اما صحابه بعد از رحلت پیامبر ﷺ، بعد از فتح هر شهری، برای آن شهر یک حاکم اسلامی تعیین کرده تا احکام شرع را جاری سازد و یک قاری قرآن و محدث به آن شهر فرستادند تا تازه مسلمانان شده‌ها را تعلیم دهد. با این شیوه بضاعت مسلمین برای ابلاغ این دین تمام نشدنی و نامحدود بود. علاوه بر آن اگر کسی در مورد قرآن کریم یا احادیث نبوی ﷺ دچار فراموشی می‌شد، صدها نفر قاری قرآن و محدث دیگر بودند که جلو تحریف و خطا را می‌گرفتند. اینست که می‌بینیم حتی زمانیکه بدلیل اختلافات سیاسی، بین گروه‌های مسلمانان جنگ در می‌گرفت، در این جنگ بین آیات قرآن و احکام شرعی، مثل نحوه نماز و زکات و غیره، هیچ اختلافی نبود و دو طرف دیگر برای تمامی دستورات مذهبی متفق القول بودند.

و این اعجاز اسلام است که در میان بزرگترین اختلاف‌ها نیز جایی برای تفاوت نظر میان احکام اصلی دین و قرآن وجود ندارد و کسی حتی به یک آیه قرآن شک نداشته است. پیامبر اسلام در مورد رسالت صحابه می‌فرماید: احادیث مرا به گوش امتم برسانید، هرچند که به اندازه یک جمله کوتاه باشد.

یاران من مانند ستارگان اند

در اینجاست که این حدیث نبوی ﷺ به واقعیت تبدیل می‌شود که: «یاران من مانند ستارگان اند، به هرکدام که اقتدا کنید هدایت می‌شوید.» یاران پیامبر از منبع و خورشید علم و فقه کسب نور کرده و هرکدام بصورت ستاره درآمده که برای تابیدن نور بر آسمان شهری، وروشتایی

بخشیدن بدان کافی بودند. مردم هر شهر به یکی از صحابه و وارثان پیامبر اقتدا کردند و بدین ترتیب بود که تمامی سرزمین‌های اسلامی فتح شده بطور یکنواخت و هماهنگ و با سرعت به رنگ اسلام مزین شدند. هر یک از شهرهای اسلامی وارثی از پیامبر را در میان خود داشتند، تا بدین ترتیب از وجود او بهره مند شوند و او ندای اسلام را به گوش آن‌ها برساند.

این شیوه منحصر بفرد تنها از آن اسلام می‌باشد که طی آن قرآن واحکام دین را از هرگونه تحریفی رهایی بخشید، و کشته شدن تعداد زیادی از اصحاب چراغ یگانگی قرآن و توسعه دین را به خاموشی تبدیل نساخت.

اختلاف میان صحابه

در اینجا بد نیست اشاره‌ای به موضوع اختلاف میان صحابه داشته باشیم، و اعلام کنیم که صحابه هیچکدام معصوم و عاری از خطا نبودند و ممکن است گاهی دچار فراموشی شده باشند - که ویژگی هرانسان است - یا بدلیل اینکه جمع نمودن همگی آن‌ها بطور مداوم، برای بیان حدیث از جانب رسول خدا ﷺ ممکن نبوده است، از آن‌ها چیزها را شنیده یا دیده باشند که دیگران از شنیدن و دیدن آن محروم بوده‌اند. و همین گاهی سبب اختلاف نظرهایی در میان این امت می‌شده است. اختلاف و تفاوت نظر میان اعضاء یک خانواده، یک گروه، یک شهر و یک امت، امری طبیعی است و امکان ندارد که گروهی بوجود آید که در تمامی موارد جزئی و کلی اتفاق نظر داشته باشد و حتی یافتن دو انسان که دارای ویژگی‌های کاملاً مشترکی باشند، ممکن نیست.

اما آنچه از همه مهمتر است این است که صحابه بعد از رحلت پیامبر ﷺ هیچگاه در اساس دین نیافتادند و اختلافات آن‌ها ناشی از تفاوت نظر و اجتهادهای انسانی و از طرفی صحابه تا زمانیکه اقوام دیگر در میان جمعیت

آن‌ها نفوذ نکرده بودند، با وجود تمام اختلاف نظرها بدلیل درجه ایمان بالا در درونشان، هیچگاه کارشان به نزاع و خونریزی و حق کشی نیانجامید. و اختلاف و جنگ زمانی در میان مسلمین پدید آمد که گروه خالص صحابه وجود نداشت و تازه مسلمان شده‌های غیر صحابه وارد عرصه سیاسی اسلام گشتند و صحابه پیر و سالخورده و گوشه نشین بودند. و تا زمانی که صحابه در صحنه اجتماع و سیاست بودند، بهترین و طلایی‌ترین دوران وحدت آمیز و توفیق بخش را در تاریخ اسلام و سقوط دشمنان اصلی و کارهای بزرگ دین مثل جمع آوری قرآن توسط آن‌ها صورت گرفت.

اختلاف صحابه ناشی از اجتهاد آن‌ها بوده است، یعنی بدلیل تفاوت در برداشت و سلیقه که در هر انسانی وجود دارد، گاهی به اختلاف می‌افتادند. اختلاف صحابه ناشی از هوی و هوس و مال دوستی و کم کاری آن‌ها در دین و انحراف آن‌ها نبوده است، زیرا هیچکدام از آن‌ها زندگی ساده و عبادت سخت خود را رها نکرده و بیشترین نقطه اختلاف آمیز آن‌ها در امور سیاسی و اجتماعی بوده، که هر کدام تلاش می‌نمودند راه حل بهتری برای اداره جامعه ارائه دهند. خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ، وَلَكِنْ مَّا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ﴾ [الأحزاب: ۵].

«گناه در چیزهایی نیست که به خطا و اشتباه رفته‌اید، بلکه در چیزهایی است که دل‌هایتان (عمداً) می‌خواستید است.»

از آنجا که اختلاف نظر اصحاب ناشی از اجتهاد و تفکر بوده است، نه هوی و هوس و افتادن به دنبال مال دنیا، پس اگر در اجتهاد خود به خطا نیز رفته باشند، باز هم گناهی بر آن‌ها نیست، زیرا نیت آن‌ها برای اجتهاد پاک و اصلاح امور بوده است. پیامبر اسلام ﷺ در مورد اجتهاد می‌فرماید:

«هر کس در اجتهاد به خطا رفت یک ثواب دارد و هر که به درست رفت دو ثواب دارد».

اگر صحابه پیامبر ﷺ بعد از رحلت آن حضرت در اختلاف نظرها به مال اندوزی و ساختن کاخ‌ها و سرکوبی مخالفان و هوس پرستی روی می‌آوردند، می‌شد ادعا کرد که اختلاف میان صحابه از روی اجتهاد و اختلاف عقیده نبوده است، بلکه به سبب مال دنیا بوده است.

در حالیکه صحابه بعد از رحلت پیامبر ﷺ بی‌توجه‌ترین افراد به مال دنیا بوده‌اند، جز کسانی که از قبل دارای اموال فراوان بودند و چه در زمان حیات رسول خدا ﷺ و چه بعد از آن از هیچ گونه انفاقی دریغ نورزیدند.

وظیفه سایر مسلمین در مورد اختلاف

حال باید دید سایر مسلمین در مورد اختلاف و مناقشات بین یکدیگر یا گذشتگان چه موضعی باید بگیرند. در مورد موضوع اول یعنی اختلافی که بین دو گروه از مومنین در مورد هر چیزی، قرآن به صراحت می‌گوید:

﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا﴾ [الحجرات: ۹].

«هرگاه دو گروه از مومنین با هم جنگ کردند، بین آن‌ها صلح را برقرار سازید».

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ﴾ [الحجرات: ۱۰].

«براستی که مومنان با یکدیگر برادرند، پس بین برادران تان اصلاح کنید».

حال که وظایف مسلمین در ازاء اختلافاتی که در بین خودشان رخ می‌دهد مشخص گشت، باید دید اگر این اختلافات میان گذشتگان باشد،

مثلاً اگر اختلاف میان صحابه ما را به اختلاف نظر وا دارد چه موضعی در این قبال بگیریم و چگونه با آنها برخورد کنیم؟ قرآن کریم ابتدا می‌فرماید:

﴿وَلَا تَقُفْ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾ [الإسراء: ۳۶].

«از چیزی که از آن آگاهی نداری پیروی مکن، زیرا بیگمان چشم و گوش و دل همه مورد پرس و جو از آنچه می‌کنند قرار می‌گیرند.»

این آیه از مسلمین می‌خواهد که بدون دلیل و آگاهی در مورد هیچ چیزی اظهار نظر نکنند و بدین ترتیب به اختلافات دامن نزنند. قرآن کریم باز می‌فرماید:

﴿يَلِكْ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [البقرة: ۱۳۴].

«آن‌ها قومی بودند که گذشت و رفت. آنچه بدست آوردند متعلق به خودشان است. آنچه شما بدست آوردید متعلق به خودتان است، و در مورد آنچه آن‌ها کرده‌اند از شما سوال نخواهد شد.»

این آیه برای قضاوت در مورد گذشتگان بسیار معقول و بجا می‌باشد. زیرا اولاً هر نتیجه‌ای که در این قضاوت حاصل شود و هر زیانی برای هیچکدام از گروه‌هایی که در این قضاوت بر سر آن‌ها دعوا دارند، نمی‌رساند و آن‌ها که گذشت‌هاند مسئول اعمال خود هستند و آن‌ها که اکنون وجود دارند مسئول اعمال خود می‌باشد.

ثانیاً محاکمه گذشتگان هیچگاه ممکن نیست. بعنوان مثال یک قاضی حکم یک مجرم را تنها پس از بررسی‌های علمی و تحقیقات گسترده و بر اساس موازین قضایی صادر می‌کند. حال چگونه می‌توان در مورد گذشتگانی که صدها و شاید هزاران سال از زندگی آن‌ها گذشته باشد، با اطلاعات

عامیانه دست به قضاوت بزنیم، با علم به اینکه حتی اگر به معتبرترین کتاب‌های تاریخی متوسل شویم، آن‌ها عاری از خطا، تحریف و اشتباه نیستند.

با توجه به این مشخص می‌شود دعوا بر سر گذشتگان نه سودمند است و نه ممکن و آن باید به بهترین و عادلترین دستگاه قضایی یعنی دادگاه عدل الهی واگذار شود و از دخالت بر اساس ناآگاهی و دانش محدود خوداری کرد.

آیا خداوند بعد از رحلت پیامبر نیز از اصحاب راضی بود؟

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَن يَرْتَدَّ مِنكُمُ عَن دِينِهِۦ فَسَوْفَ يَأْتِي اللّٰهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُۥٓ ؕ اَذَلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ اَعْرَٰةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَآئِمٍۭ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللّٰهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَآءُ ۗ وَاللّٰهُ وَّاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ [المائدة: ۵۴].

«ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! هرکس از شما از آیین خود برگردد، خداوند قومی را خواهد آورد، که خداوند دوستشان دارد و آن‌ها نیز خداوند را دوست می‌دارد. آن‌ها نسبت به مومنان نرم و فروتن بوده و نسبت به کافران سخت و نیرومندند. در راه خدا جهاد می‌کنند تلاش می‌نمایند و از سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای هراسی به دل راه نمی‌دهند. این فضل خداست و خدا به هرکس که بخواهد این فضل خود را عطا می‌کند. و خداوند دارای فضل فراوان و آگاه (به امور) است.»

این آیه پیش‌گویی درمورد ارتداد گروهی از تازه مسلمان شده هاست که ایمان آن‌ها قلبی نبوده، بلکه آن از سر ترس و ناچاری می‌باشد. این گروه مترصدند که بعد از رحلت پیامبر اسلام ﷺ و همراه با ضعیف شدن اسلام، از دین برگردند و رفتار دوران جاهلیت را تکرار کنند.

خداوند با این آیه خطاب به آن‌ها می‌گوید که خیال برگشتن از دین را پس از رحلت پیامبر ﷺ از سر بیرون کنند، زیرا مسلمین بعد از رحلت پیامبر ﷺ ضعیف نمی‌شوند و خداوند قومی را به قدرت می‌رساند که نسبت به مؤمنین آسانگیر و نسبت به کفار و مرتدین، سختگیرند. و این قدرتی که به آن‌ها عطا شده است، فضلی است از جانب خداوند. به گواه تاریخ بعد از رحلت پیامبر ﷺ تعداد زیادی از تازه ایمان آورده‌های بادیه نشین از دین برگشتند و اسلام را انکار نمودند و حتی گروهی از آن‌ها ادعای نبوت کردند تا بدین ترتیب به شهرت و قدرت برسند. اما خداوند در ازاء این سلطه طلبی آن‌ها، وعده خود را عملی ساخت و صحابه را به قدرتی رسانید که به رهبری خلیفه اول که خود یکی از بزرگترین اصحاب پیامبر ﷺ بود، به سرکوبی مرتدین پرداختند و وعده الهی در مورد ارتداد گروهی از تازه ایمان آورده‌ها و به قدرت رسیدن دوستداران خود و کسانی که خدا دوستشان دارد و پیروزی آن‌ها بر مرتدین، تحقق یافت و کسانی که فضل و رحمت خدا شامل حال آن‌ها گشت و با اراده خداوند به قدرت رسیدند، کسانی نبودند جزء صحابه. و بدین ترتیب خداوند رضایت خود را از قومی که بعد از رحلت پیامبر ﷺ بر مرتدین غالب شدند اعلام می‌کند، که تاریخ این قوم را جزء با صحابه نمی‌شناسند.

صحابه از دیدگاه پیامبر ﷺ

پیامبر اکرم ﷺ در مورد صحابه و یاران خود بطور گروهی یا فردی فضائل زیادی ذکر کرده‌اند که در اینجا به قید چند حدیث مشهور در این زمینه می‌پردازیم:

۱- بهترین مردم از قرن من هستند.

- ۲- هرگز از کسانی که زیر درخت با من بیعت کردند، وارد آتش نخواهند شد. (بعد از بیعت رضوان).
- ۳- هر چه می خواهید بکنید شما را بخشیدم (خطاب به اصحاب).
- ۴- از اصحاب من کسی را ناسزا نگوئید.
- ۵- صحابه مرا بد نگوئید زیرا اگر کسی از شما برابر کوه احد طلا در راه خدا خرج کند، برابر با صد صحابی و حتی نصف مد هم نمی تواند باشد.
- ۶- همانا خداوند مرا برگزید و یاران مرا نیز برگزید.
- ۷- در حق یاران من از خدا بترسید و آن ها را بعد از من مورد سرزنش قرار ندهید.
- ۸- کسی که خدا از او راضی باشد دیگر از او ناراضی نخواهد بود. (در مورد اصحاب)
- ۹- یاران من همچون ستاره گانند، به هر کدام که اقتدا کنید هدایت می یابید.

صحابه افتخار اسلام

قرن هاست که از زندگی صحابه می گذرد و اختلافات بین آن ها گاهی سبب موضع گیری گروه ها علیه یکدیگر و پشتیبانی یکی از آن ها از اصحاب و تکفیر صحابه دیگری شده است. ولی با وجود تمامی این اختلافات بعد از گذشت هر دوره زمانی، عزت و سربلندی صحابه و شایستگی بر حق آن ها دوباره در قلوب مسلمین پدیدار گشته و خداوند راه بر حق آن ها را، نمایان ساخته است. بطوریکه امروزه در تمامی آثار مورخین مسلمان و غیر مسلمان جزء دیده احترام نسبت به یاران رسول خدا ﷺ دیدگاه دیگری وجود ندارد و این یادآور این وعده بر حق الهی است که می فرماید:

﴿يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ﴾ [التحریم: ۸].

«روزی که خداوند پیامبر و کسانی که همراه او هستند را ذلیل و رسوا نخواهد کرد».

برترین مومنان

در قرآن کریم پند و اندرزهای فراوانی خطاب به مومنان وجود دارد که در انحصار صحابه نمی‌باشد و در مورد تمامی مسلمین و در هر عصری صدق می‌کند، اما باید توجه داشت که از آنجا که صحابه برترین مومنین هستند، هر پند و فضیلتی برای مومنان زودتر از هر گروه و امتی از اسلام، در مورد صحابه صدق می‌کند و صحابه شایسته‌ترین افراد برای این امر می‌باشد. خداوند متعال بیشتر دستورات و فضائل مومنینی را بنابه موقعیت و ویژگی‌های صحابه بیان می‌کند، ولی به نحوی که به مسلمین سایر اعصار قابل تعمیم باشد.

نظر انجیل در مورد اصحاب پیامبر ﷺ

در سفر تثنیه، در فصل ۳۳، آیه دو، چنین آمده است:

«ازکوه فاران قیام کرد و با ده هزار مرد زاهد و مقدس آمده و از دست چنین قانون آتشین گذشت».

فاران نام قدیم یک رشته کوه در شبه جزیره عربستان می‌باشد و باید توجه داشت که شبه جزیره عربستان جزء پیامبر اسلام ﷺ پیامبر دیگری نداشته است. ده هزار مرد زاهد و مقدس، اشاره به ده هزار نفری دارد که هنگام فتح مکه بدنبال پیامبر ﷺ بودند و بزرگترین فتح حیات پیامبر ﷺ را رقم زدند. در این آیه از یک کتاب غیر اسلامی، اصحاب و یاران پیامبر ﷺ بعنوان افرادی زاهد و مقدس نام برده می‌شوند که با توجه به روحیه معنوی

حاکم بر فضای مدینه در هنگام حیات رسول خدا ﷺ، خصوصاً در سال‌های آخر زندگی پیامبر ﷺ که فتح مکه یکی از حوادث آن بود، لقب زاهد و مقدس برای یاران و اصحاب پیامبر ﷺ اغراق آمیز نمی‌باشد.

هدف از تالیف این کتاب

هدف از این کتاب اشاره ای به فضائل صحابه بود و اینکه مسلمین امروز بدانند وارث زحمات چه امتی هستند و چگونه آن‌ها برای نصرت دین خدا و تحقق آرمان‌های اسلام، از دنیا و تمامی لذت‌ها و دلبستگی‌های آن گذشتند و پس از رحلت پیامبر خود به جمع آوری قرآن و نشر اسلام و سنت نبوی ﷺ پرداختند و سهم عمده ای در اسلامی آوردن سایر اقوام داشتند. اصحاب پیامبر ﷺ افرادی هدفمند بودند و به خاطر رسیدن به هدف خود قلب‌ها را از زینت‌های دنیوی شستند و خدا و رسولش را برای دنیا و آخرت خویش کافی دیدند.

مسلمانان امروز گرفتار در انواع مشکلات و مصائب گوناگون هستند که قسمت اعظم این گرفتاری‌ها، از انحرافات و اشتباهات خودشان سرچشمه می‌گیرد. با کمی تأمل در زندگی صحابه و از خود گذشتگی‌های آن‌ها بر مسلمین معلوم خواهد شد، زیر بنای هر گونه موفقیتی در دنیا تسلط بر خویشتن است.

صحابه تا قبل از آشنایی با اسلام و پیامبر آن مردمی جاهل و گمنام بودند و از وحدت و پیوستگی و انسانیت و اخلاق و هدفمندی چیزی نمی‌دانستند، ولی در پرتو زنده نمودن خوی انسانی و حس خدا شناسی و پناه آوردن به آغوش اسلام، طعم آزادی از هر بند و قیدی را چشیدند و راه مبارزه و پیروزی در دنیا را آموختند.

با این قیاس متوجه خواهیم شد که اصحاب تا قبل از اسلام در وضعیتی بسیار اسف بارتر از مسلمین امروز و هر عصر دیگری بودند، اما با اتکا به اصول این دین توانستند خود را به بالاترین درجه فضیلت برسانند و این می‌تواند بهترین الگو برای مسلمین عصر ما باشد.

قلب‌ها را باید شست

قرآن کریم بهترین راه ارتباط با گذشتگان را به ما نشان می‌دهد و آن این است که صرف نظر از تصور هر لقب و منسبی برای آن‌ها، قلب‌ها را نسبت به آن‌ها بشوئیم و با اخلاص رو به درگاه الهی نموده و برای مغفرت آن‌ها و شیوه‌های خصمانه و غیر قرآنی در مورد آن‌ها خوداری نمائیم.

﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿۱۰﴾﴾
[الحشر: ۱۰].

«و کسانی که پس از آن‌ها می‌آیند می‌گویند: پروردگارا ما و برادران ما را که پیش از ما بسوی ایمان شتافتند ببخش و در دل ما هیچ کینه و حسدی برمومنان قرار مده، که تو بسیار رؤوف و مهربانی.»

آری، دل‌کندن از هرگونه کینه و دشمنی و هرگونه حسادت و ردایل اخلاقی بهترین شیوه پیوند با برادران گذشته دینی است که قرآن کریم ما مسلمین را به آن فرا می‌خواند و طبق این قاعده مسلمانان هر عصری را باهم مرتبط می‌سازد. و این شیوه بیش از همه در مورد بهترین امت، و جماعت برگزیده خدا صدق می‌کند و قلب مومنین را تپشی مهرآمیزی برای آن‌ها و به یاد شان می‌طلبد. امید است که خداوند ما و تمامی گذشتگان را مورد رحمت خویش قرار دهد و همراه با صحابه محشور و سربلند گرداند.

یاران حقیقت

صحابهٔ پیامبر ﷺ بهترین یاران برای حقیقت بودند، آن‌ها مردمی حق جو و در پی فرار از قید و بندهایی بودند که عقاید جاهلیت به پای آن‌ها بسته بود. آن‌ها هنگامیکه ندای اسلام را از دهان پیامبر ﷺ شنیدند و با واقعیت هستی آشنا گشتند به انواع اعتقادات جاهلیت آمیز پشت کردند و آن‌ها را بدست فراموشی سپردند. شاید بهترین درس صحابه در زندگی برای دیگران این باشد که آن‌ها یاران و سربازان حقیقت بودند و با شنیدن آهنگ حقیقت خواهی و اندیشه طلبی از جانب رسول اکرم ﷺ بیاری او شتافتند و اجازه ندادند، که تعصبات قومی و عقیدتی مانع از حق طلبی شان شود.

صحابه از حضرت محمد ﷺ اطاعت می‌کردند و این اطاعت بسیار سرسختانه و گاهی به قیمت جانشان بود، ولی این یک اطاعت کورکورانه و از روی نادانی و جهالت نبود، بلکه اطاعتی بود که از روی تعقل و حس حقیقت جویی سر چشمه می‌گرفت و آن‌ها احساس می‌کردند که اگر پیامبر ﷺ را تنها بگذارند و از روی بگردانند، به حقیقت پشت کرده‌اند و آن‌ها را در برابر هجوم ابطال تنها گذاشته‌اند، به همین دلیل است که آن‌ها را سربازان و یاوران حقیقت نامیدیم و با این لقب مزین ساختیم.

اطاعت حق جویانه و خالصانه از پیامبر ﷺ، درس خوبی برای باقی مسلمین می‌تواند باشد، که بدلیل توسل به تعصب‌های قومی و مذهبی از حقیقت و عدالت دوری می‌جویند و زمینه را برای اختلاف و برادر کشی بین یکدیگر فراهم می‌آورند. ولی اگر همه برای یافتن راهی که به حقیقت ختم می‌شود اخلاصی داشته باشند، می‌توانند بدون توجه به درگیری‌های داخلی، مثل صحابه در یک صف واحد قرار گیرند و همگی سر باز و یاران جان بر

کف برای حقیقت باشند که در این صورت، تحقق هر آرزویی دور از دسترس نخواهند بود.

إن شاء الله